

بسم الله الرحمن الرحيم

یک



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده فلسفه علم و فناوری
پایان نامه دکتری رشته فلسفه علم و فناوری

نقد و ارزیابی فردگرایی روش شناختی در اقتصاد نئوکلاسیک

بر پایه واقع گرایی انتقادی

رویکردی به نظریه اقتصاد اسلامی صدر

استاد راهنما

دکتر عماد افروغ

استادان مشاور

دکتر یدالله دادگر

دکتر امیر احسان کرباسی زاده

پژوهشگر

سید محمدرضا امیری طهرانی زاده

دی ۱۳۹۲



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۸

رساله‌ی تحصیلی آقای سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده دانشجوی مقطع دکتری رشته‌ی فلسفه علم و فناوری

تحت عنوان:

نقد و ارزیابی فردگرایی روش شناختی در اقتصاد نئوکلاسیک برپایه‌ی
رنالیسم انتقادی: رویکردی به نظریه اقتصاد اسلامی صدر

را بررسی کردند و رساله با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱. استاد راهنمای رساله، آقای دکتر عماد افروغ

امضا

۲. استاد مشاور رساله، آقای دکتر یداله دادگر با مرتبه علمی استاد

امضا

۳. استاد مشاور رساله، آقای دکتر امیراحسان کرباسی‌زاده با مرتبه علمی استادیار

امضا

۴. استاد داور داخلی، آقای دکتر مهدی معین‌زاده

امضا

۵. استاد داور مدعو، آقای دکتر حسن سبحانی با مرتبه علمی دانشیار

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

سپاسگزاری

خدای بزرگ را سپاسگزارم که توفیق عنایت کرد درباره موضوعی تحقیق کنم که سالیانی در اندیشه‌ی آن بودم. در این راه از همه استادان ارجمندی که مرا یاری کردند متواضعانه تشکر می‌کنم. بویژه از آقای دکتر عماد افروغ که راهنمایی این پایان نامه را پذیرفتند و از ایشان در موضوع مکتب واقع‌گرایی انتقادی بهره فراوان بردم و همواره مرا در نگارش این پایان هدایت و تشویق کردند، صمیمانه متشکرم. از آقای دکتر یدالله دادگر که خوشه چین درس فلسفه اقتصاد ایشان بودم و در نگارش این پایان نامه از دقت و نکته‌سنجی‌های ایشان سود جستیم، کمال امتنان دارم. و از آقای دکتر امیر احسان کرباسی زاده که موضوعاتی در فلسفه علم را از ایشان فرا گرفتم و از دقت‌های روشنگر ایشان بهره‌مند بودم، از صمیم قلب تشکر می‌کنم.

و در پیمودن این راه از خانواده‌ام که در همه حال یار و همراه من بودند، سپاسگزارم.

تقدیم

این تلاش علمی متواضعانه را به همسرم تقدیم می‌کنم که در راه پیشرفت من همه دشواری‌های درس و زندگی را بر خود هموار کرد.

چکیده

موضوع فرد و جامعه یا عامل و ساختار در جامعه‌شناسی یا موضوع خرد-کلان در علوم اجتماعی و اقتصادی، همگی به یک مسئله اشاره دارند که از سوی فیلسوفان علوم اجتماعی به نام نوظهوری اجتماعی خوانده می‌شود. مسئله‌ی نوظهوری به مطالعه هستی‌شناختی و روش‌شناختی پدیده‌هایی می‌پردازد که از کنش و واکنش اجزای یک سیستم حاصل می‌شود. مسئله نوظهوری اخیراً در زمینه علوم شناختی نیز توسط فیلسوفان ذهن مورد بحث است. تعامل این دو شاخه‌ی علمی موجب شده است که در پژوهش‌های نوظهوری اجتماعی از پیشرفت مطالعات فلسفه علم و فلسفه ذهن استفاده شود.

مسئله این پژوهش بررسی و نقد فردگرایی روش‌شناختی به عنوان رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک به پدیده‌ی نوظهوری اجتماعی، بر اساس واقع‌گرایی انتقادی است؛ با این هدف که از این راه پرتویی بر مسائل روش‌شناسی اقتصاد اسلامی افکنده شود. زیرا این رویکرد روش‌شناختی بر مطالعات اقتصاد اسلامی نیز سایه انداخته است.

هدف‌هایی که این پژوهش دنبال می‌کند، عبارتند از نقد فردگرایی روش‌شناختی بر پایه‌ی واقع‌گرایی انتقادی، تحقیق درباره‌ی ضرورت فردگرایی روش‌شناختی در اقتصاد نئوکلاسیک، نقد رابطه‌ی خرد-کلان در اقتصاد نئوکلاسیک از منظر واقع‌گرایی انتقادی، و بررسی و نقد روش‌شناسی اقتصادی و نظریه اقتصاد اسلامی آیت الله سید محمدباقر صدر بر پایه واقع‌گرایی انتقادی.

شش

این پژوهش برای نیل به اهداف یاد شده، دو فرضیه را بررسی می‌کند. نخست، با فرض این که فردگرایی روش شناختی ویژگی ضروری مکتب اقتصاد نئوکلاسیک است، مدعی است که قوانین پدیده‌های کلان و پیچیده‌ی اقتصادی قابل تقلیل به قوانین مربوط به افراد نیست. دوم، با فرض این که نسبت روش شناسی اقتصادی آیت الله صدر با واقع‌گرایی انتقادی عموم و خصوص من وجه است؛ مدعی است که واقع‌گرایی انتقادی می‌تواند روش و نظریه اقتصاد اسلامی صدر را توجیه کند.

برای مطالعه این فرضیه‌ها، این پژوهش در شش فصل سامان یافته است. فصل نخست به طرح مسئله و ضرورت آن، اهداف، پرسش‌ها و دیگر ویژگی‌های این تحقیق می‌پردازد. در فصل دوم ادبیات فردگرایی روش شناختی مرور می‌شود و رویکردهای مختلف فردگرایی روش‌شناختی شامل رویکرد روان‌شناختی در انگلستان و آلمان، رویکرد مکتب اتریش، رویکرد ساختاری، رویکرد نهادی و رویکرد پاپری بررسی می‌شود. فصل سوم به نقد و ارزیابی رویکردهای فردگرایانه‌ی تقلیل‌گرا و غیر تقلیل‌گرا، و هم‌چنین رویکردهای جمع‌گرایانه و واقع‌گرایی انتقادی به مسئله نوظهوری اجتماعی می‌پردازد. در این نقد و بررسی از برخی مفاهیم فلسفه علم و فلسفه ذهن هم چون ابتناء، تحقق‌پذیری چندگانه، انفصال فاحش، و علیت رو به پایین استفاده می‌شود. در فصل چهارم فردگرایی روش‌شناختی اقتصاد نئوکلاسیک بر اساس آموزه‌ی واقع‌گرایی انتقادی که هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی را ملازم یکدیگر می‌داند، بررسی و نقد می‌شود. برای این کار، اقتصاد نئوکلاسیک از وجوه هستی‌شناختی، قیاس‌گرایی، اتمیسم اجتماعی، انتظام‌علی، انسداد، و ساختار و عاملیت ارزیابی می‌شود.

بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعات فصل‌های دوم، سوم و چهارم در نقد و ارزیابی فردگرایی روش‌شناختی اقتصاد نئوکلاسیک، در فصل پنجم به بررسی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های رویکرد واقع‌گرایی انتقادی در توجیه روش و نظریه اقتصاد اسلامی آیت الله صدر پرداخته می‌شود. در این فصل سعی می‌شود نسبت آموزه‌های واقع‌گرایی انتقادی با اقتضائات روش‌شناختی نظریه اقتصاد اسلامی صدر بررسی و ارزیابی شود. برای این کار، نظریه‌های توزیع پیش و پس از تولید، و هم‌چنین عدالت اجتماعی صدر از بعد روش‌شناسی تجربه و تحلیل می‌شود. در فصل پایانی گزارشی از یافته‌های این پژوهش و ارزیابی فرضیه‌های آن ارائه می‌شود.

بنابر نقد و تحلیل نظریه‌های فردگرایانه نوظهوری نتیجه می‌شود که قوانین مربوط به پدیدارهای اجتماعی پیچیده به نحو قانونمندی به مفاهیم و قوانین فردی قابل تقلیل نیست. اما اقتصاد نئوکلاسیک به این دلیل به فردگرایی روش شناختی روی آورده و لوازم آن را پذیرفته است که بتواند شناختی اقتصادی مطابق معیارهای اثبات‌گرایی خلق کند. آنان فردگرایی روش شناختی را به این دلیل مفروض گرفتند که علم اقتصاد از سازوکاری برخوردار باشد که فرمالیسم، قیاس‌گرایی، انتظام علیتی، سیستم‌های بسته، اتمیسم و تقلیل‌گرایی را روا دارد. چرا که این شرایط برای امکان پذیر ساختن توضیح استنتاجی - قانونی که الگوی مورد نظر اثبات‌گرایی است، ضروری می‌باشد. بنا بر این، فرضیه اول این پژوهش مبنی بر که قوانین پدیدارهای کلان و پیچیده‌ی اقتصادی قابل تقلیل به قوانین مربوط به افراد نیست، قابل دفاع به نظر می‌رسد.

آیت الله صدر در روش شناسی اقتصادی خود، ایستارهای اثبات‌گرایی را مفروض می‌گیرد. از این رو غالب مواضع روش شناختی او درباره علم و به ویژه علم اقتصاد با اقتصاددانان نئوکلاسیک سازگار است. اما، با جداکردن تکلیف مکتب اقتصادی از علم اقتصاد، از مقولاتی سخن به میان می‌آورد که توجیه آن از اثبات‌گرایی ساخته نیست. رابطه عاملیت و ساختار در واقع‌گرایی انتقادی ظرفیت مناسبی برای تبیین وجوه فردی و اجتماعی فعالیت‌ها در اقتصاد اسلامی فراهم می‌کند که از عهده فردگرایی روش شناختی خارج است. به نظر می‌رسد که واقع‌گرایی انتقادی تا حدی زیادی از این ظرفیت برخوردار باشد که مقولات روش شناختی صدر هم چون اصول، کشف، روبنا و زیربنا، واقعی بودن، اخلاقی بودن، عقیده، مفهوم، و عاطفه را توجیه کند. بنابر نقاط اشتراک یاد شده میان روش شناسی اقتصادی آیت الله صدر و واقع‌گرایی انتقادی، فرضیه دوم مبنی بر این که واقع‌گرایی انتقادی، روش و نظریه اقتصاد اسلامی صدر را توجیه می‌کند، قابل قبول به نظر می‌رسد.

پیشگفتار

پس از دانش آموختگی در مقطع کارشناسی ارشد در رشته معارف اسلامی و اقتصاد از دانشگاه امام صادق (ع)، به پژوهش در زمینه اقتصاد اسلامی علاقه‌مند شدم. در دوران دانشجویی که سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب را سپری می‌کردیم، منابع اندکی درباره اقتصاد اسلامی به زبان فارسی در دسترس بود و به تازگی تلاش‌هایی در محافل حوزه و دانشگاه با همکاری استادان علاقه‌مند دانشگاهی و فضایی حوزه آغاز شده بود. منابع اقتصاد اسلامی به طور عمده به زبان‌های عربی و انگلیسی بود. در واقع، جامعه علمی کشور در آغاز راه مطالعه و پژوهش در زمینه اقتصاد اسلامی قرار داشت.

نخستین سوالی که در برابر من به عنوان یک فرد علاقه‌مند به تحقیق در اقتصاد اسلامی مطرح شد، این بود که آیا اقتصاد اسلامی امکان پذیر است؟ آیا اقتصاد اسلامی وجود دارد؟ در صورتی که پاسخ مثبت است، مفهوم اقتصاد اسلامی چیست؟ مبانی یا اصول موضوعه اقتصاد اسلامی کدام است؟ این پرسش‌ها چنان ذهنم را به خود مشغول کرده بود که نخستین نوشتار خود را با عنوان «پیش درآمدی بر مفهوم اقتصاد اسلامی» در ماهنامه کیهان فرهنگی (خرداد ۱۳۷۱) به چاپ رساندم. تأمل بیشتر در موضوع چیستی و چگونگی پژوهش در اقتصاد اسلامی مرا به این نتیجه رساند که برای تحقیق در زمینه اقتصاد اسلامی نخست باید درباره مسائل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی علم مطالعه کرد. چرا که به لحاظ رتبی، پژوهش درباره هستی‌شناسی و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی بر مطالعه اقتصاد اسلامی اولویت دارد.

چنین بود که در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد در رشته فلسفه علم از دانشگاه صنعتی شریف فارغ التحصیل شدم. پایان‌نامه‌ام را با راهنمایی زنده‌یاد مرحوم دکتر یوسف صمدی علی‌آبادی در پاسخ به این سوال نگاشتم که آیا در علم اقتصاد قوانینی علمی مطابق تعریف همپل از قانون علمی که برای الگوی توضیح استنتاجی - قانونی مورد نیاز است، وجود دارد؟

در راستای شناخت ماهیت علم اقتصاد، یکی از ویژگی‌های اصلی جریان اصلی اقتصاد که به نظر می‌رسد متأثر از روش‌شناسی پوزیتیویسم منطقی است، فردگرایی روش‌شناختی است. این پایان‌نامه در صدد است که ضمن بررسی

مفهوم فردگرایی روش‌شناختی، به نقد آن از منظر واقع‌گرایی انتقادی پردازد و سرانجام از این مطالعه ره توشه‌ای برای نقد و ارزیابی روش و نظریه‌ی اقتصاد اسلامی آیت الله صدر بر اساس کتاب اقتصادنا فراهم آورد. بدین منظور ابتدا مفهوم فردگرایی روش‌شناختی از زبان فیلسوفان اجتماعی و اقتصادی بررسی و توصیف می‌شود. در مرور این ادبیات به طور عمده از اثر جامع لارس یودن (۲۰۰۱) با عنوان فردگرایی روش‌شناختی؛ زمینه، تاریخچه و مفهوم استفاده شده است.

فردگرایی و دیگر رویکردهای روش‌شناختی همگی با مسئله‌ای به نام نوظهوری مواجه‌اند. این مسئله ناظر به رابطه فرد و جامعه یا خرد-کلان از نظر هستی‌شناختی و روش‌شناختی است. مطالعات نوظهوری هم در علوم اجتماعی و هم در علوم شناختی مطرح است. در این پژوهش با استفاده از یافته‌های فلسفه علم و نظریه‌های فلسفه ذهن به بررسی و نقد دیدگاه‌های متفاوت فردگرایانه، جمع‌گرایانه، و واقع‌گرایی انتقادی درباره پدیده نوظهوری اجتماعی پرداخته می‌شود.

بر اساس نتایج حاصل از بررسی و نقد فردگرایی روش‌شناختی در اقتصاد نئوکلاسیک به بررسی نسبت روش‌شناسی واقع‌گرایی انتقادی با روش و نظریه اقتصاد اسلامی آیت الله صدر می‌پردازیم. امید است که نتایج این پژوهش پرتویی هر چند کم سو در مسیر شناسایی روش‌شناسی مناسب برای مطالعات اقتصاد اسلامی بیافکند. برای سامان دادن به این پایان‌نامه منابع فارسی تألیفی اندکی در دسترس بود، چرا که بیشتر منابع موجود ترجمه آثار نویسندگان خارجی است. از این رو در نگارش این پایان‌نامه به طور عمده از منابع انگلیسی زبان استفاده شده است که زمان قابل توجهی برای ترجمه آن‌ها صرف گردید. مشخصات کتاب‌شناختی منابع استفاده شده، در دو فهرست جداگانه فارسی (و عربی) و انگلیسی آمده است.

فهرست

فصل اول: مقدمه

۲	۱.۱ مسئله پژوهش
۵	۲.۱ اهمیت پژوهش
۷	۳.۱ اهداف پژوهش
۸	۴.۱ قلمرو پژوهش
۸	۵.۱ پرسش‌های پژوهش
۹	۶.۱ فرضیه‌های پژوهش
۹	۷.۱ نوع پژوهش
۹	۸.۱ پیشینه پژوهش
۱۸	۹.۱ نوآوری پژوهش
۱۸	۱۰.۱ روش پژوهش

فصل دوم: فردگرایی روش شناختی

۲۱	۱.۲ مقدمه
۲۳	۲.۲ کل گرایی و جمع گرایی
۲۵	۳.۲ فردگرایی روش شناختی
۲۵	۴.۲ روان شناسی گرایی در علوم اجتماعی
۲۸	روان شناسی گرایی در بریتانیا
۲۸	جان استوارت میل
۳۲	علم اقتصاد مطلوبیت گرا
۳۷	روان شناسی گرایی در آلمان
۴۰	ویلهلم دیلتای
۴۲	گئورگ زیمل
۴۵	۵.۲ فردگرایی روش شناختی مکتب اتریش
۴۵	کارل منگر
۵۰	ماکس وبر
۵۳	ژوزف شوپنتر
۵۴	لودویگ فون میزز
۵۶	فریدریش فون هایک

۵۹	۶.۲ فردگرایی روش شناختی پوپری
۶۹	واتکینس
۷۲	۷.۲ فردگرایی نهادی
۷۲	ژوزف آگاسی
۷۴	یان سی. جاروی
۷۷	۸.۲ فردگرایی ساختاری
۷۷	جیمز کلمن
۸۲	ریموند بودون
۸۳	۹.۲ نتیجه گیری
فصل سوم: نوظهوری در علوم اجتماعی	
۸۸	۱.۳ مقدمه
۸۹	۲.۳ نوظهوری در علوم اجتماعی و اقتصاد
۹۳	۳.۳ ابتدا
۹۵	۴.۳ تحقق پذیری چندگانه و انفصال فاحش
۹۸	۵.۳ علیت روبه پایین
۱۰۲	۶.۳ نظریه‌های فردگرایانه‌ی نوظهوری
۱۰۴	هومنز
۱۰۵	کلمن
۱۰۷	۷.۳ نظریه‌های جمع گرایانه‌ی نوظهوری
۱۰۷	پیتر بلاو
۱۰۸	دوگلاس پورپورا
۱۱۰	۸.۳ موضوعات حل نشده
۱۱۰	واقعگرایی
۱۱۱	علیت
۱۱۳	سازوکار
۱۱۴	۹.۳ رئالیسم انتقادی
۱۱۹	واقعگرایی استعلایی روی بسکار
۱۲۷	دوگانگی تحلیلی آرچر
۱۲۸	۱۰.۳ نتیجه گیری

دوازده

فصل چهارم: نقد واقع گرایی انتقادی بر فردگرایی روش شناختی اقتصاد نئوکلاسیک

۱۳۴	۱.۴ مقدمه
۱۳۵	۲.۴ هستی شناسی اقتصاد نئوکلاسیک
۱۴۲	۳.۴ فرمالیسم
۱۴۴	۴.۴ قیاس گرایی
۱۴۹	۵.۴ اتمیسم اجتماعی
۱۵۲	۶.۴ انتظام علی
۱۵۵	۷.۴ واقع گرایی تجربی
۱۵۹	۸.۴ انسداد
۱۶۸	۹.۴ ساختار و عاملیت
۱۷۷	۱۰.۴ طبیعت گرایی دیالکتیکی انتقادی
۱۸۱	۱۱.۴ نتیجه گیری

فصل پنجم: روش شناسی و نظریه اقتصاد اسلامی صدر از دیدگاه واقع گرایی انتقادی

۱۸۶	۱.۵ مقدمه
۱۹۰	۲.۵ روش شناسی اقتصاد اسلامی صدر
۱۹۸	۳.۵ نظریه توزیع پیش از تولید
۲۰۳	۴.۵ نظریه توزیع پس از تولید
۲۰۶	۵.۵ عدالت اجتماعی
۲۰۷	۶.۵ آزادی در چارچوب معین
۲۰۸	۷.۵ نقد روش شناسی اقتصاد اسلامی صدر
۲۱۹	۸.۵ نقد روش شناختی نظریه اقتصاد اسلامی صدر
۲۲۶	۹.۵ نتیجه گیری

فصل ششم: نتیجه گیری

۲۳۰	فهرست منابع فارسی و عربی
۲۴۲	فهرست منابع انگلیسی
۲۴۴	

فصل اول

مقدمه

مسئله پژوهش

در تاریخ اندیشه‌ی اجتماعی همواره درباره ماهیت جامعه و بهترین راه فهم و توضیح آن، اختلاف نظر وجود داشته است. یک تقسیم بندی کلی میان آنان که جامعه را به عنوان یک جمع جبری یا مجموعه‌ی افراد می‌بینند، و آنانی که جامعه را به عنوان نوعی کل یا جماعت واحد می‌نگرند، وجود دارد. دیدگاه اول پدیدارهای اجتماعی را به زبان افراد و کنش‌های متقابل آنان توضیح می‌دهد، در حالی که دیدگاه دوم این امر را بدون ارجاع به کل‌های اجتماعی، ممکن نمی‌داند. تعارض میان این تلقی‌ها از جامعه، علوم اجتماعی را به دو اردوگاه مخالف تبدیل کرده است. به هر حال با پیشرفت علوم اجتماعی و دور شدن هر چه بیشتر آن از فلسفه، موضوعات متافیزیکی به طور روزافزونی به موضوعات روش شناختی تبدیل شدند. البته این به معنای منتفی شدن موضوعات متافیزیکی نبود، بلکه آن‌ها به پس زمینه یا به تعبیری فلسفه‌ی این علوم منتقل شدند. در حال حاضر این دو دیدگاه را فردگرایی روش شناختی و کل‌گرایی روش شناختی نمایندگی می‌کنند.

برخی رابطه میان فرد و جامعه را بنیادی‌ترین و مهمترین مسئله علوم اجتماعی می‌بینند. کل‌گرایان روش شناختی در مقایسه با فرد‌گرایان روش شناختی، گرایش دارند که سؤال‌های متفاوتی بپرسند و پاسخ‌های متفاوتی فراهم کنند. برخی مدافعان فرد‌گرایی روش شناختی استدلال می‌کنند که این رویکرد از این حقیقت بدیهی تبعیت می‌کند که همه پدیده‌های اجتماعی بطور مستقیم یا غیر مستقیم مخلوقات انسانی هستند. البته باید میان ادعای بدهت صدق یک اصل هستی شناختی و یک قاعده روش شناختی تمایز قائل شد. این فرض که قاعده روش شناختی از اصل هستی شناختی پیروی می‌کند، پرسشی است که باید به آن پاسخ گفته شود. به نظر برخی حتی اگر فرد‌گرایی هستی شناختی بدیهی باشد، این نتیجه حاصل نمی‌شود که فرد‌گرایی روش شناختی تنها و حتی بهترین راه برای توضیح همه پدیده‌های اجتماعی است. اعتقاد به این که صدق فرد‌گرایی روش شناختی امری قطعی است به دلیل این واقعیت که کل‌های اجتماعی از افراد و روابط آنها با یکدیگر ساخته شده است، چند پرسش مهم بنیادی را مطرح می‌کند؛ مانند این که فرد چیست؟ ماهیت رابطه اجتماعی چیست؟ و جامعه از نظر هستی‌شناسی چگونه تفسیر می‌شود؟

موفقیت‌های بی‌نظیر علم فیزیک به دست اسحاق نیوتن، موجب شد که روش علمی او در کانون توجه دانشمندان و محققان علوم قرار گیرد. دانشمندان دیگر شاخه‌های علم نیز درصدد برآمدند که در تحقیقات خود از روش علمی نیوتن الگو بگیرند. با گسترش و سیطره روش علمی اثباتی در قرن نوزدهم میلادی، عده‌ای از دانشمندان علوم مختلف معروف به حلقه وین^۱ در آغاز قرن بیستم روش پوزیتیویسم منطقی را صورت‌بندی کردند. با توجه به غالب بودن رویکرد اثبات‌گرایی که تا نیمه دوم قرن بیستم ادامه داشت، بیشتر دانشمندان علوم اجتماعی با پذیرش طبیعت‌گرایی، درصدد به کار بستن این روش در تحقیقات خود برآمدند. موضع روش‌شناسی اثبات‌گرا در مسئله نسبت فرد و جامعه، فرد‌گرایی روش شناختی است. از این رو علوم اقتصادی نیز همچون غالب شاخه‌های علوم اجتماعی، تحت سیطره فرد‌گرایی روش شناختی قرار گرفت. اقتصاد نئوکلاسیک به عنوان گسترده‌ترین و دیرپاترین مکتب اقتصادی در جریان اصلی علم اقتصاد بر مبنای فرد‌گرایی روش شناختی استوار است.

¹Vienna circle

البته از سوی برخی عالمان و فیلسوفان اجتماعی تلاش هایی به منظور رفع تعارض رویکردهای فردگرایی و کل‌گرایی و ایجاد تلائم میان کنش افراد و ساختار جامعه به عمل آمده است. در این زمینه می‌توان به نظریه ساختاریابی^۱ آنتونی گیدنز^۲ و واقع‌گرایی استعلایی^۳ روی بسکار^۴ اشاره کرد. مکتب واقع‌گرایی انتقادی^۵ به عنوان یکی از اثرگذارترین مکاتب روش‌شناسی اخیر در این زمینه مطرح است.

موضوع فرد و جامعه یا عامل و ساختار در جامعه‌شناسی و موضوع خرد-کلان در علوم اجتماعی و اقتصادی، همگی درصدد توضیح یک پدیده و حل یک مسئله هستند که از سوی فیلسوفان علوم اجتماعی به نام نوظهوری اجتماعی خوانده می‌شود. نوظهوری اجتماعی پدیده‌ای است نو که از فعل و انفعال افراد جامعه با یکدیگر به وجود می‌آید. به تعبیری انتزاعی‌تر، نوظهوری اجتماعی به مطالعه هستی‌شناختی و فلسفی پدیدارهایی می‌پردازد که از کنش و واکنش اجزای یک سیستم حاصل می‌شود. رویکردهای روش‌شناختی فردگرا، کل‌گرا و واقع‌گرایی انتقادی، برای توضیح پدیده‌های نوظهور استدلال‌های متفاوت و بلکه متعارضی ارائه می‌کنند. از دهه‌ی ۹۰ قرن بیستم، پژوهش‌هایی در زمینه‌ی علوم شناختی درباره مسئله نوظهوری پدیدارهای ذهنی از وضعیت‌های جسمانی آغاز شده است. گرچه علوم اجتماعی و علوم شناختی با دو فضای متفاوت سروکار دارند، اما هر دو با مسئله‌ی یکسانی به نام نوظهوری مواجه‌اند. بررسی یک مسئله‌ی مشترک در دو شاخه‌ی علمی، امکان تعامل و استفاده از نتایج تحقیقات یکدیگر را فراهم کرده است. از این رو در این پژوهش از پیشرفت‌ها و دستاوردهای مطالعه در زمینه سیستم‌های پیچیده، فلسفه علم و فلسفه ذهن بهره می‌بریم.

بنابر آن چه یاد شد، مسئله پژوهش نقد رویکرد فردگرایی روش‌شناختی در اقتصاد نئوکلاسیک از منظر واقع‌گرایی انتقادی است. نظر به این که فردگرایی روش‌شناختی مفروض در اثبات‌گرایی به عنوان رویکرد غالب، برخی مطالعات اقتصاد اسلامی را نیز تحت تأثیر قرار داده است، نقد روش و نظریه اقتصاد اسلامی آیت الله صدر از دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی نیز موضوع این تحقیق است.

¹ structuration

² Antony Giddens

³ Transcendental realism

⁴ Roy Baskar

⁵ critical realism

اهمیت پژوهش

در توضیح اهمیت و ضرورت اجرای این پژوهش به چند مورد می‌توان اشاره کرد. نخست، هر مطالعه‌ای بر فرضی متافیزیکی استوار است. مطالعات علمی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. این فرض‌ها شامل موضوعات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی درباره شرایط و موضوع مورد مطالعه می‌شوند. هر پژوهشگری آگاهانه یا ناآگاهانه موافق با برخی فرض و مخالف بعضی دیگر به تحقیق می‌پردازد. با توجه به غلبه اقتصاد نئوکلاسیک در جریان اصلی اقتصاد، مطالعه و نقد فرض متافیزیکی آن از حائز اهمیت است. از جمله این فرض، رویکرد فردگرایی روش‌شناختی اقتصاد نئوکلاسیک در توضیح نوظهوری اجتماعی است. سیطره فردگرایی روش‌شناختی به قلمرو مطالعات جریان اصلی اقتصاد محدود نمی‌شود و به مطالعات اقتصاد اسلامی نیز تسری یافته است. حتی اگر اقتصاد اسلامی را بنا بر نظر برخی اقتصاددانان مسلمان از جریان اصلی اقتصاد استثنا نکنیم (دادگر ۱۳۸۳)، هم چنان موضوع امکان‌پذیری استفاده از رهیافت فردگرایی روش‌شناختی در اقتصاد اسلامی مسئله‌ای قابل مطالعه است.

دوم، بیشترین فارغ‌التحصیلان و دانشجویان ایرانی در رشته‌های علوم اقتصادی دانشگاه‌های خارج از کشور در زمینه اقتصاد نئوکلاسیک تحصیل و یا تحقیق می‌کنند. هم‌چنین غالب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های داخل کشور به تدریس مباحث اقتصاد نئوکلاسیک اشتغال دارند. همه دانشجویان شاخه‌های مختلف علوم اقتصادی نظریه‌های اقتصاد نئوکلاسیک را می‌آموزند و از دیگر مکاتب اقتصادی به اصطلاح نامتعارف تنها اقتصاد کینزی و نهادگرایی را فرامی‌گیرند. البته فراگیری و غلبه مکتب اقتصاد نئوکلاسیک بر سایر مکاتب اقتصادی محدود به نظام آموزش عالی ایران نیست و در غالب دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشی سراسر جهان جریان اصلی علم اقتصاد و بویژه اقتصاد نئوکلاسیک از بیشترین سهم در برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی برخوردار است. این چیرگی به ویژه با توجه به روند رو به رشد پدیده جهانی شدن سرعت بیشتری گرفته است. با این تفاوت که در دانشگاه‌های معتبر در کشورهای پیشرفته، در کنار آموزش اقتصاد نئوکلاسیک، تدریس روش‌شناسی اقتصاد و هم‌چنین مکاتب اقتصاد نامتعارف مرسوم است که به دانشجویان علوم اقتصادی، نگرشی نقادانه نسبت به آموخته‌های خویش می‌دهد. نبود یا کمبود تدریس و پژوهش در زمینه روش‌شناسی و فلسفه اقتصاد و هم‌چنین مکاتب اقتصاد نامتعارف، چه به دلیل فقدان اعضای هیأت علمی علاقه‌مند و چه به دلیل کمبود منابع اصیل به زبان

فارسی برای مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، موجب تک سویه شدن دیدگاه فارغ التحصیلان و فقدان اطلاعات و فهمی کامل از ماهیت، ویژگی‌ها و محدودیت‌های تئوری‌های فراگرفته می‌شود. از این رو نقد اقتصاد نئوکلاسیک به طور عام و بویژه مبانی متافیزیکی آن از جمله فردگرایی روش شناختی اهمیتی بسزا دارد.

سوم، چنانچه بنا باشد که سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کشور به دست متخصصان اقتصادی صورت پذیرد، ناگزیر فارغ التحصیلان و یا اعضای هیأت علمی این مسئولیت را به دوش خواهند گرفت. از این رو سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بر اساس نظریه‌های فراگرفته اقتصاد نئوکلاسیک و تحلیل پدیده‌های اقتصادی برپایه فردگرایی روش شناختی، صورت خواهد پذیرفت. تأثیرگذاری مستقیم فرضیه فردگرایی روش شناختی در تجزیه و تحلیل و سیاست‌گذاری اقتصادی و از این رهگذر بر دستاوردها و کارکردهای اقتصادی جامعه، اهمیت این تحقیق را نشان می‌دهد.

چهارم، در بررسی مفاهیم و عوامل پدیده جهانی شدن همواره از مکتب نئولیبرالیسم به مثابه شالوده‌ی نظری آن سخن به میان می‌آید. در واکاوی مبانی و مفروضات نئولیبرالیسم به ویژه در زمینه اقتصادی، با مکتب نئوکلاسیک و نظریه پردازان پرآوازه‌ی آن همچون فردریش فون هایک و میلتون فریدمن روبرو می‌شویم. هایک و فریدمن از بنیانگذاران مکتب شیکاگو به شمار می‌روند که موج جدید ترویج اقتصاد نئوکلاسیک تحت عنوان سیاست‌های خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی از آن آغاز و جهانگیر شد. اهمیت یا ضرورت تعامل با پدیده جهانی شدن، از دیگر دلایل توجیه این تحقیق است.

پنجم، پدیده‌ی جهانی شدن و چگونگی تعامل با آن، نه تنها دغدغه‌ی کشورهای درحال توسعه همچون ایران بلکه بسیاری از کشورهای توسعه یافته است. دغدغه چگونگی تعامل یا پیوستن به روند جهانی شدن صرفاً به جنبه اقتصادی محدود نمی‌شود، و جوانب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن را نیز دربرمی‌گیرد. نقد و بررسی فردگرایی روش شناختی که در بسیاری از تئوری‌های جهانی شدن مبنای تجزیه و تحلیل و حتی سیاست‌گذاری قرار دارد، از دیگر ضرورت‌های این مطالعه است.

ششم، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون یکی از مهمترین شعارهای جمهوری اسلامی، نظریه پردازی در حوزه‌ی اقتصاد اسلامی و سیاست‌گذاری برپایه‌ی آن بوده است. این هدف تاکنون تحت عناوینی

مختلف همچون وحدت حوزه و دانشگاه، اسلامی کردن دانشگاه‌ها، و اخیراً طرح تحول علوم انسانی دنبال شده است که هیچ یک از این برنامه‌ها به طور کامل به اهداف خود دست نیافته است. اقتصاد اسلامی نه تنها به سیاست‌گذاری و اجرا نیانجامیده است، بلکه در نظریه پردازی اقتصاد اسلامی نیز دیگر کشورهای اسلامی همچون عربستان، پاکستان و مالزی گوی سبقت را از ما ربوده‌اند.

در تبیین عقب افتادگی ایران در نظریه پردازی اقتصاد اسلامی به طور قطع دلایل اجرایی متعددی مطرح است، اما در تبیین دلایل نظری عدم پیشرفت مطالعات اقتصاد اسلامی در ایران و حتی به بیراهه رفتن برخی از آن‌ها در دیگر کشورهای اسلامی می‌توان به نبود یا کمبود ملاحظات روش شناختی و فلسفی اقتصاد اسلامی اشاره کرد. همان گونه که یاد شد، غالب مدرسان و محققان اقتصاد اسلامی در جهان، فارغ التحصیلان شاخه‌های علوم اقتصادی از دانشگاه‌هایی هستند که پارادایم مسلط آن‌ها فردگرایی روش شناختی است. آنان در پژوهش‌های اقتصادی خود آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر این پارادایم رفتار می‌کنند و این احتمال وجود دارد که این رفتار به تحقیقات اقتصاد نئوکلاسیک محدود نشود و به حوزه مطالعات اقتصادی اسلامی نیز سرایت کند. روشن است که غفلت از ملاحظات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی مطالعات اقتصاد اسلامی، می‌تواند تأثیری گمراه‌کننده بر چگونگی نظریه پردازی در این زمینه بجای گذارد.

از نظر رتبی سزاوار است که قبل از آغازیدن مطالعات اقتصاد اسلامی، درباره مسائل هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی در ارتباط با مسئله فرد و جامعه، نوظهوری اجتماعی و ماهیت روابط اجتماعی، از دیدگاه معارف اسلامی بحث شود و نسبت آن با دیدگاه فردگرایی روش‌شناختی بررسی گردد. این تحقیق گامی جهت هموار کردن این مسیر است. از این رو امید می‌رود که نتایج این پایان‌نامه بتواند در بازشناسی و بازسازی روش‌های مطالعه و پژوهش در اقتصاد اسلامی به کار آید.

اهداف پژوهش

با توجه به تعریف مسئله پژوهش و اهمیت اجرای آن، اهداف پژوهش به شرح زیر است.

۱. ارزیابی رویکرد فردگرایی روش‌شناختی در توضیح نوظهوری اجتماعی
۲. نقد رابطه‌ی خرد- کلان در اقتصاد نئوکلاسیک از منظر واقع‌گرایی انتقادی